

ماجرای عشق و عاشقی میدون

کاش توهم مشکوک بودی

پوریا عالمی؛ من میدون هستم، میدون دوم، عاشق سوفیا. سوفیا اما عاشق من نیست فکر کنم. چون دیروز که رفتم خواستگاری سوفیا، بابای سوفیا به من گفت سوفیا یک خواستگار دیگر هم دارد که سوفیا به او روی خوش نشان داده.

بابای سوفیا گفت: اون یکی خواستگار، پورشه داره.

گفتم: واقعا که. الان هر کی ماشین خارجی داره مشکوکه که پولش از کجا اومده. بابای سوفیا گفت: کاش تو هم مشکوک بودی. در ضمن اون یکی خواستگار، دکترا داره. گفتم: واقعا که. الان هر کی دکترا داره مشکوکه که مدرکش تقلبی باشه.

بابای سوفیا گفت: کاش تو هم تقلبی بودی. در ضمن اون یکی خواستگار، داره فیلم تهیه می‌کنه.

گفتم: واقعا که. الان هر کی فیلم تهیه می‌کنه احتمالش هست پولش شست‌وشویی باشه.

بابای سوفیا گفت: کاش تو هم احتمالت بود. کاش تو هم شست‌وشویی بودی. در ضمن اون یکی خواستگار، پنت‌هاوس داره. گفتم: واقعا که. الان هر کی پنت‌هاوس داره پشت‌سرش می‌کن که پول خونه هزار نفر رو خورده. بابای سوفیا گفت: کاش تو هم پشت‌سورت می‌گفتند. در ضمن اون یکی خواستگار شغل دولتی داره. گفتم: واقعا که. الان هر کی شغل دولتی داره صورتش رو یک طوری اصلاح می‌کنه که نصفش سه‌تبع باشه، نصفش هم زبر. بابای سوفیا گفت: کاش تو هم یک‌طوری بودی. بعد بابای سوفیا گفت: همه این حرف‌ها هیچی، اون یکی خواستگار به سوفیا گفته براش می‌میره. گفتم: حرف بی‌سند که فایده نداره. بعد هم طرف برای سوفیا بمیره، پای سوفیا گیره. بابای سوفیا گفت: کاش تو هم می‌مردی. در ضمن اون یکی خواستگار به سوفیا گفته وام ازدواج شده ۱۰ تومن، حاضره همش رو بده به سوفیا. گفتم: واقعا؟ بابای سوفیا گفت: بله. گفتم: من اصلا یکی از دلایل زن گرفتن این است که وام ازدواج بگیرم و بدهی‌هام را بدهم. به سوفیا بگو الکی روی وام ازدواج من حساب نکنه چون خود من روی وام او حساب کرده‌ام. بابای سوفیا محترمانه به در خروجی اشاره کرد و وقتی دید نگذ نمی‌خورم، قدان را پرت کرد سمت کم من سریع از موقعیت کل استفاده کردم و هد زدم.

من کمی تحقیقات محلی کردم و به این نتیجه رسیدم: آه ای سوفیا... عشق من به تو قدر یک تریلی است آن‌وقت تو بین تریلی من و پورشه آن یکی خواستگار که بابات می‌گوید، سمد را انتخاب کردی؟ آه ای سوفیا... تو حتی عقلت به چشمت نیست، معلوم است که تریلی بزرگ‌تر است.

شتر روزنامه

www.sharghdaily.ir

یکشنبه ۲۹ فروردین ۱۳۹۵ • ۹ رجب ۱۴۳۷ • ۱۷ آوریل ۲۰۱۶ • سال سیزدهم • شماره ۲۵۶۱ • ۲۰ صفحه • اذان ظهر تهران ۱۳:۰۴ • اذان مغرب ۱۹:۵۸ • اذان صبح فردا ۴:۵۸ • طلوع آفتاب ۶:۲۸

روزنامه‌فرو

کارتون خواب

مهدی عزیزی

در برخی محیط ها از هر پنج شاغل، یک نفر معتاد است



میلاد پر برکت حضرت علی (ع)

روز پدر مبارک باد

ماکسیم

پوشاک نسل امروز ... و فردا

maxim[®]
COLLECTION



ماکسی را فقط از بوتیک‌های زنجیره‌ای ماکسی تهران و شهرستان‌ها خریداری کنید

- ماکسی مرکز**؛ میرداماد، مجتمع پایتخت
- ماکسی میرداماد**؛ نرسیده به میدان مادر، شماره ۱۱۸
- ماکسی میرداماد (پانوان)**؛ مجتمع پاسارگاد
- ماکسی پاسداران**؛ مقابل برج سفید
- ماکسی شهرک غرب**؛ میلاد نور
- ماکسی شریعتی**؛ مرکز خرید قلهک
- ماکسی شریعتی (پانوان)**؛ مرکز خرید قلهک
- ماکسی فاطمی**؛ مرکز خرید لاله
- ماکسی الماس ایران**؛ مینی سیتی، بلوار نیروی زمینی ، همکف ۷-۲۲۹۶۹۰۹۶
- ماکسی اصفهان**؛ سپاهان شهر، سیتی سنتر
- ماکسی ایلام**؛ بلوار امام علی
- ماکسی رشت**؛ بلوار گنار
- ماکسی شیراز**؛ هتل بین المللی پارس

روابط عمومی و بازرگانی: ۸۸۸۸۸۸۱۵

فراخوان

حق میهمان نوازی را به جا آوریم

انجام داده‌ایم؟ چقدر آنها که بخشی از فرهنگ بزرگ فارسی‌زبانان جهان هستند را دوست داشته‌ایم و چون شهروندی عادی در جامعه ایران با آنها برخورد کرده‌ایم که حالا در برابر چنین خبر تلخی، خودمان را به آن‌راه می‌زنیم؟

افغانستانی‌های حاضر در ایران، آوارگان اجباری یک جنگ ناخوابسته هستند، آنها دردشان را پیش هم‌زبان‌هایشان آورده‌اند بلکه تسلایی بیابند، پس جمع‌های برادری را گسترش دهید، نگذارید خشونت‌هایی این چنین، بارقه خشونت‌های متقابل را شعله‌ور کند، انسان را بشناسیم، «انسان، بسی انسان را» و فارغ از رنگ و نژاد و مذهب و زبان، یکدیگر را دوست بداریم، رفتارهای ما به‌عنوان میزبان شهروندان مهاجر افغان، آینه‌ای برای رفتارهای فردای میهمانانمان خواهد بود.

میهمان ما ایرانی‌ها هستند اما در همین سال‌ها، گاهی شاهد بوده‌ایم که حق میهمان نوازی را زیر پا گذاشته‌ایم و به شکلی به حیات آنها تجاوز اجتماعی کرده‌ایم. آنها در جامعه ما پذیرفته نشده‌اند اجبارا به حاشیه شهرهای شلوغ پناه برده‌اند و با اینکه زبانشان یکی است، هنوز با آنها پیمان دوستی نبسته‌ایم. اگرچه توقع داریم ورود هر ایرانی پناهنده و مهاجری به اروپا، ارج نهاده شود و با او شبیه به شهروندان درجه‌یک برخورد کنند، اما از پذیرش مردم جنگ‌زده افغانستان در زندگی روزمره خود طفره رفته‌ایم، مهر «افغانی‌بودن» به پیشانی آنها زده‌ایم و یادمان رفته واردآوردن این‌همه فشار روحی چه آینده‌ای برای مهاجران افغانستان در ایران رقم خواهد زد. در طول این سال‌ها چند مطالعه جامع و اساسی پیرامون وضعیت روحی، روانی و اجتماعی این گروه



منیره حکمت

نمی‌دانم شما ماجرای تلخی را که برای دخترپچه مهاجر سرزمین افغانستان اتفاق افتاده شنیده‌اید یا نه؟ تجربیاتی که در زمینه تهیه آثاری چون «زندان زنان» داشتیم این نکته را به من یادآوری می‌کند که بدترین شکل خشونتی که یک انسان می‌تواند به انسان دیگری روا دارد، تجاوز جنسی است و قطعا این پرونده به دلیل رخ‌دادن چنین میزان خشونتی، در دادگاه‌های عالی بررسی خواهد شد اما وظیفه ما ایرانی‌ها در برابر میهمانان جنگ‌زده‌مان چه خواهد شد؟

شهروندان کشور افغانستان سال‌هاست که

اتفاق

یاد بعضی نفرات روشنم می‌دارد

عباس جهانگیریان

● «یاد بعضی نفرات، روشنم می‌دارد/ قوتم می‌بخشد/ ره می‌اندازد/ اجاق کهن سرد سرایم گرم می‌آید از گرمی خوب دم‌شان» (نیمایوشیچ)
به باور من، گرامیداشت انسان‌های بزرگ، پیش از آنکه ارج‌گذاری و تقدیر جمعی از دوستان از آن بزرگوار باشد، یادآوری یاران اوست، به جامعه‌ای فراموشسکار؛ جامعه‌ای که مردمان گرفتار آن، به‌سادگی می‌توانند در پرتو نور مردان و زنان چراغ‌به‌دست گذر کنند. بی‌آنکه چهره‌های رنجور، اما صمیمی و سرشار از ایمان آنان را به‌خاطر بسپارند!

نام‌های بسیاری در این سال‌ها از پیشانی میدان‌ها، خیابان‌ها و مدرسه‌ها پاک شد و در عوض نام‌هایی آمد و بر این جای‌ها و مکان‌ها نشست. اراده‌ای بسیار کوشید و می‌کوشد تا این نام‌ها از خاطره‌ها برود؛ والا چه دلیلی داشت که تالار رودکی بشود وحدت یا سینمای حافظ در چهارباغ اصفهان، که بخشی از خاطره جمعی اصفهانی‌ها را می‌سازد، بشود فلسطین و هزاران نام دیگر بر سردر مدرسه‌های ما (و من با نام فلسطین مشکل ندارم و اولین تکلیم نون و زیتون هم درباره فلسطین است، من با حذف نام حافظ و محو حافظ‌ها مشکل دارم، اگر کارگزاران و سیاست‌گذاران فرهنگی ما دغدغه فرهنگی درون‌مرزی داشتند، چه اشکالی داشت اکنون

نام هوشنگ مرادی‌کرمانی بر تابلوی مدرسه‌ای در

کرمان می‌درخشید، یا نام فریدون عموزاده‌خلیلی بر سردر مدرسه‌ای در سمنان یا نام توران میرهادی بر پیشانی دبستانی در تهران! درحالی‌که اینجا نام خیام را پاک می‌کنیم، آن‌سو در ناسا، کپکشانی را به پاس او نام می‌نهند! اینجا ارج‌گذاری دولت‌ها بر افراد نیست که گرامیداشت معماران و زیباسازی ادبیات یک سرزمین با پیشینه تمدنی چندهزارساله است.

بزرگداشت دکتر مهدی جوانی باید خیلی پیش‌تر برگزار می‌شد، اما هرچه هست، چه خوب که امروز او را نه مردان قدرت که نویسندگان کودک گرامی می‌دارند. مهدی جوانی یکی از چندنفری است که تأثیری بنیادی بر ادبیات کودک پس از انقلاب داشته‌اند. جوانی فروتن و بی‌دعا و گاه حتی خاموش و در خاموشی ببر ادبیات کودک و نوجوان امروز ایران پرتو افکنده است و غلوآمیز نیست اگر از او به‌عنوان یکی از معماران ادبیات کودک پس از انقلاب نام ببریم. جوانی یکی از بنیان اصلی تأسیس انجمن نویسندگان کودک و نوجوان است و خود چندین دوره به‌عنوان رئیس هیأت‌مدیره در تداوم فعالیت و رشد این جریان بزرگ همت نهاد و به تعبیری به‌مثابه شیرازه این تشکیلات، کوشش بسیار کرد و اگر هم در چند دوره اخیر همت‌مدیره نامزد نشد، بنابر آنچه خود گفت، صرفا برای میدان‌دادن به نیروهای جوان و تازه‌نفس در انجمن بود، نه شانه‌خالی‌کردن از بار مسئولیت. انتشار کتاب ماه کودک و نوجوان، به‌مثابه تنها ماهنامه تخصصی و اطلاع‌رسانی حوزه ادبیات و هنر کودک و نوجوان، یادگار دیگر او در این عرصه است، نشریه‌ای که تا صد شماره به سردبیری خودش منتشر شد و از شماره صد تاکنون بر سردبیری هرکس دیگری ادامه یافته و بیابد، نام او بر پیشانی این ماهنامه با فصلنامه نقش بسته است. جوانی با انتشار فصلنامه تخصصی پژوهش‌نامه ادبیات کودک و نوجوان که ۶۶ شماره آن اکنون در اختیار ماست، به یک نیاز اساسی در حوزه‌های نظری ادبیات کودک، آن‌هم در جایگاهی غیررسمی و غیردولتی، پاسخ داد.

جوانی با حضورش در انتشارات افق، توانست در حوزه نشر ادبیات کودک و نوجوان جریان‌سازی کند و با تدریس در دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی، نسلی از پژوهشگران، نویسندگان، منتقدان و نظریه‌پردازان خلاق و جوان را در حوزه ادبیات کودک پرور. چراغ زندگی و روزگارش همواره پایدار و پرفروغ، که بسیاری رهرو در راه‌اند.

سلام به فردا

آیا دبیر کلی سازمان ملل متحد به یک زن می‌رسد؟

فرصتی برای تحقق حقوق انسانی زنان

«بان کی مون» مطرح شده و دنبال می‌شود. به نظر می‌رسد با توجه به سیاست‌های حاکم بر این سازمان و تشکیل نهاد خاص زنان در این سازمان، دنبال‌کردن این خواسته و روبه دور از انتظار نیست و حتی باید انتظار داشت مسئله انتخاب یک زن برای سمت دبیرکلی سازمان ملل به‌طور جدی دنبال شود. از آنجا که زنان بزرگ‌ترین قربانیان خشونت‌های گوناگون در جریان در سطح جهان هستند، چه به شکل قربانیان جنگ‌ها و خشونت‌های موجود در جهان، چه به شکل پناهنده‌ها و مهاجرانی که از این جنگ‌ها می‌گریزند و چه به شکل قربانیان خشونت‌های خانگی که در سال‌های گذشته برای رفع این خشونت‌ها تلاش‌های زیادی صورت گرفته و موفقیت‌هایی هم داشته است، سازمان ملل در ادامه تلاش برای رفع این خشونت‌ها می‌تواند تخصیص مدیریت عالی این سازمان به یک زن را به‌طور ویژه مطرح و دنبال کند تا از این رهگذر بتوان همه جامعه جهانی را به خسارت‌های ناشی از غفلت از توانمندی‌ها و حقوق زنان بیشتر متوجه کرد و نگرش عقب‌مانده بسیاری از جوامع کنونی را درباره این حقوق و توانمندی‌ها از مسیر فعلی به سمت اصلاح برد. با درنظرگرفتن اینکه سهم زنان در قدرت و تصمیم‌گیری در کشورهای مختلف جهان در حال افزایش است، تصدی دبیرکلی سازمان ملل توسط یک زن می‌تواند این حرکت را تسریع و عزم و اراده بین‌المللی برای سهیم‌کردن زنان در قدرت و رفع تبعیض علیه آنها و تحقق حقوق انسانی آنها را تعمیق کند.



الهه کولایی

سازمان ملل متحد در دهه‌های اخیر موضوع زنان را چه از نظر تأمین حقوق انسانی همه آحاد بشر و چه از نظر ضرورت‌های رشد و توسعه کشورهای جهان مورد توجه ویژه قرار داده است. این سازمان در سال‌های گذشته رفع غفلت از جایگاه، ظرفیت‌ها و توانمندی‌های زنان از هر دو بُعد طرح‌شده را در کشورهای مختلف دنبال کرده و برهمین‌اساس می‌توان گفت در سازمان ملل نگاه ویژه‌ای به ارتقای جایگاه زنان در حوزه‌های مختلف تصمیم‌گیری گسترش پیدا کرده است. از سوی دیگر در شرایطی که در رأس نهادهای منطقه‌ای و تخصصی این سازمان مانند سازمان علمی، فرهنگی و تربیتی ملل متحد (یونسکو) زنان در پست‌های مدیریت فعال و عهده‌دار مدیریت این نهادهای تخصصی شده‌اند، اینک می‌توان از تصدی پست دبیرکلی این سازمان برای ایجاد یک الگوی کارآمد و موفق بین‌المللی در حوزه زنان صحبت کرد. زیرا پیش از این نیز سازمان ملل و کشورهای تأثیرگذار در آن برای ایجاد یک الگوی موفق و مؤثر برای بهبود شرایط زنان، ابزارهای مدیریتی را مورد توجه قرار داده‌اند و برهمین‌اساس موضوع دبیرکلی یک زن در این سازمان در روزهای پایانی دبیرکلی

گزارش فردا

در سیل، عشایر را از یاد نبریم

ایده و مسجدسلیمان اتراق کرده‌اند. این موضوعی است که غفاری به آن اشاره می‌کند و می‌گوید نباید فقط در شرایط بروز حوادث طبیعی و غیرمترقیه مثل سیل و زلزله به یاد عشایر بقیتم؛ «عشایر بخش سخت‌کوشی از جامعه ما هستند که بیشترین منافع را به‌کشور می‌رسانند و کمترین توقع را دارند. باید در روزهای

سخت از آنها بیشتر حمایت کنیم، خصوصا شهروندانی

که در شهرهایی زندگی می‌کنند که نزدیک مسیر عبور یا اطراف عشایر است. حمایت‌ها هم متنوع است؛ ارائه لباس، کفش زمستانی، پتو و وسایل گرمایشی کاری است که از دست همه مردم برای بهبود حال عشایر، آن‌هم در چنین شرایط سختی، ساخته است.»
اخباری که از استان کهگیلویه‌وبویراحمد می‌رسد نگران‌کننده است. محمد خورشیدی، مدیر مدرسه شهر فارسان به «شرق» می‌گوید: از دیروز بارش برف شدید در این منطقه آغاز شده و روستاییان و عشایر که در این منطقه هستند، نیاز به کمک‌رسانی دارند. درحال‌حاضر ۱۵ سانتی‌متر برف در فارسان آمده که قطعا در نقاط سردتر استان این میزان بیشتر است اما بعید است این موضوع روی تردد عشایر منطقه تأثیر بگذارد چراکه در فروردین، سرمای هوای استان و بی‌علفی مراتع، مانع از کوچ عشایر به اینجا می‌شود».
براساس اطلاعاتی که او در اختیار «شرق» می‌گذارد، عشایری که فعلا در خوزستان هستند، بیشتر در معرض خطر قرار دارند چراکه ممکن است به‌خاطر مناسب‌نبودن شتلاق، در حال کوچ از خوزستان به چهارمحال‌وبختیاری باشند و بعید نیست در معرض سیل قرار بگیرند.

پیشنهاد

نشست تخصصی زن در قرآن و آیین افتتاح کتابخانه تخصصی زنان همراه است. مراسم نکوداشت منیر گرجی از ساعت ۹ الی ۱۲:۳۰ روز دوشنبه در محل مرکز همایش‌های سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران به آدرس ونک، اتوبان شهیدحقانی، بلوار کتابخانه ملی برگزار می‌شود.

● مراسم نکوداشت منیر گرجی، قرآن‌پژوه و اولین و تنها نماینده زن مجلس خبرگان قانون اساسی، برگزار می‌شود. این مراسم که به همت معاونت امور زنان و خانواده ریاست‌جمهوری و سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، تدارک دیده شده، دوشنبه ۳۰ فروردین‌ماه برگزار می‌شود. این مراسم همچنین با